



خطبه‌ها

۱۳۶۷/۵/۲۴
رهبر شهید انقلاب

KHAMENEI.IR

اولین و بزرگترین درس محترم این است که نشان داد که کسی در حد عظمت شخصیت حسین بن علی، فرزندان را، زنان و دختران و ناموس الهی و حرم پیغمبر را، همه را برداشت آورد به قربانگاه. این درسی است که هر انسان مؤمن به خدا و اسلام را باید به تکلیفش آشنا کند که آنجایی که پای دفاع از اسلام در میان است، حتی عزیزترین جاها هم باید خودشان را آماده‌ی قربانی شدن کنند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نماز جمعه مشهد مقدس

همه شما برادران و خواهران و خودم را به تقوای الهی سفارش می‌کنم.

محکمی دارد. ویژگی دوم اینکه پویاست، در حال رشد و توسعه است و لحظه به لحظه بر رشد و گسترش آن افزوده می‌شود. ویژگی سوم این است که برای همه زمان‌ها، این حقیقت و این جریان مؤثر و نتیجه‌بخش است. از چنین جریانی، قرآن تعبیر به «کلمه طیبه» می‌کند.

عاشورای حسینی؛ مصداق کلمه طیبه

«کلمه» در معنای لغوی خود، به معنای یک جریان و یک حقیقت مؤثر است. راغب اصفهانی در کتاب مفردات خود که قوی‌ترین کتاب لغت معنی قرآن است، در آنجا کلمه را این‌گونه معنا می‌کند: «الکلم التأثير المدرك بإحدى الحاستين»؛^۲ یعنی «کلم» کلمه‌ای است که تأثیر قابل توجه و قابل درک است و با یکی از دو حس انسان یعنی گوش و چشم درک می‌شود. جریانی که اثرگذاری آن با گوش و چشم کاملاً درک شود، به آن «کلم» می‌گویند. سپس می‌فرماید: «فالكلام مدرک بحاسة السمع، و الکلم بحاسة البصر». (کلام جریان مؤثری است که تأثیرش با حس گوش درک می‌شود و کلم، جریان مؤثری است که تأثیرش با چشم درک می‌شود). سپس می‌گوید: «و کلمته جرحته جراحة». جراحی را «کلم» می‌گویند. به اثر جراحی که با چشم درک و آشکار می‌شود، «کلم» می‌گویند. کلام هم با گوش، اثرگذاری آن قابل درک است.

قرآن می‌فرماید که آن حقیقت و جریان پاک و مقدسی که این ویژگی‌ها را دارد، ﴿أَصْلُهَا ثَابِتٌ﴾؛ ریشه و بنیان آن قوی، نیرومند و محکم است و بنیانی متزلزل ندارد. ﴿وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ﴾؛ مانند درختی است که تنه و ریشه‌اش محکم و شاخه‌هایش به سوی آسمان است. این جریان پویا و در حال گسترش است و پویایی آن نیز تصاعدی است. ﴿فَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ﴾ یعنی به طرف بالا پیش می‌رود. سپس می‌فرماید: ﴿تَوْتَى أَكْلَهَا كُلَّ حِينٍ



امروز جمعه اول ماه محرم الحرام است، ماهی که به دستور امام هشتم علیه السلام به عنوان زمان خاص سوگواری سیدالشهدا علیه السلام تعیین شد. اصولاً انقلاب امام حسین علیه السلام و جریان کربلا، غیر از تمام فضایل و امتیازاتش، یک شخصیت قرآنی دارد و در وجود مقدس کتاب خدا، آیه‌ای داریم که در واقع ماهیت کربلا در این آیه مشخص شده است. شخصیت قرآنی عاشورا برای ما قابل دقت و تعمق است.

ذات مقدس پروردگار می‌فرماید: ﴿أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ تُؤْتِي أَكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا...﴾^۱ در این آیه شریفه، خداوند واقعیت و جریانی را معرفی می‌کند که سه ویژگی دارد: ویژگی اول این است که ریشه و بنیان



فرمودند، می‌خوانیم: «سَلِّمْ لِمَنْ سَأَلَكُمْ وَ حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ». یعنی هنگامی که در مقابل ضریح اباعبدالله (علیه السلام) قرار می‌گیرید، می‌خوانید: «با هرکس که با شما صلح دارد، من با او در صلح هستم و هرکه با شما در جنگ است، من با او در جنگم».

اینکه به امام حسین (علیه السلام) می‌گویید: «سَلِّمْ لِمَنْ سَأَلَكُمْ وَ حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ» کسانی که با سیدالشهدا (علیه السلام) جنگ داشتند، در سال ۶۱ هجری قمری، عمر سعد، عبیدالله زیاد، یزید و لشکر عمر سعد و جزاران آدم‌کش بنی‌امیه بودند. آن‌ها با سیدالشهدا (علیه السلام) جنگ داشتند و همگی به درک واصل شدند و به جهنم رفتند. الان اثری از آن‌ها نیست. پس به چه کسی می‌گویید: «حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ»؟ آن‌ها در جنگ بودند و جنگشان تمام شد. شما چطور می‌خواهید با آن‌ها بجنگید؟ پس معلوم می‌شود که کربلا پایان نیافته، لشکر امام حسین (علیه السلام) هم پایان نیافته و لشکر عمر سعد هم پایان نیافته است. الان هم کربلاست. هم لشکر اباعبدالله (علیه السلام) هست و هم لشکر عمر سعد هست. همین الان نیز عناصری هستند عین عناصر روز عاشورا.

عکس العمل افراد در مواجهه با عاشورا

در روز عاشورا، مردم سه دسته بودند: دسته اول کسانی

بِإِذْنِ رَبِّهَا در هر زمانی، نتیجه آن قابل درک است و ثمره آن جریان، قابل بهره‌برداری و استفاده است. به این، «کلمه طیبه» می‌گویند.

مصدق کامل این «کلمه طیبه» که قرآن معرفی می‌کند، عاشورای سیدالشهدا (علیه السلام) است: «أَصْلُهَا ثَابِتٌ»، بنیان آن ولایت و ریشه آن رسالت پیغمبر است. اصل و تنه این درخت، از خاندان نبوت و وحی است. ریشه آن در وحی و در ارتباط با خدا قرار دارد. «أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَ فَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ» جریانی است که اتفاق افتاده و روبه رشد، تکامل و توسعه است. عاشورا مخصوص سال ۶۱ هجری نبود. سال ۶۱ آغاز انقلاب عاشورا بود. از آن روز آغاز شد؛ اما تمام نشد و ادامه دارد. همچنان روزبه‌روز بر اهمیت آن افزوده می‌شود و هر روز، یک کربلا و یک عاشورا در عرصه زندگی بشر ظهور پیدا می‌کند.

برادران و خواهران، این جمله که ما می‌گوییم: «كُلُّ أَرْضٍ كَرْبَلَاءٌ وَ كُلُّ يَوْمٍ عَاشُورَاءٌ»، یعنی هر سرزمینی کربلاست و هر روزی عاشوراست، این روایت نیست و حدیث هم نیست؛ اما در روایات، احادیث و زیارات اهل بیت (علیهم السلام)، عباراتی داریم که تفسیرش «كُلُّ أَرْضٍ كَرْبَلَاءٌ وَ كُلُّ يَوْمٍ عَاشُورَاءٌ» است. در زیارت مقدس جامعه کبیره که وجود مقدس امام هادی (علیه السلام) تعلیم

عده‌ای هم هستند که می‌گویند: «ما به دنبال دینی بی‌دردسر هستیم: دو رکعت نماز بی‌زحمت بخوانیم، عبادت و نافله و دعای بی‌خطری انجام دهیم و بقیه را به دیگران واگذار کنیم. جهاد و مقاومت مال دیگران است و ما فقط همین نماز و روزه بی‌دردسر را به‌عنوان عبادت خدا انجام می‌دهیم.»

یکی از آقایان دیروز به بنده می‌گفت: «ما گروهی داریم که قرار است به فقرا و محرومان بنگلادش، افغانستان و حتی در یمن به رزمندگان کمک کنند. همه این‌ها کارهای مقدس و خوبی است. ما هم همین کار بکنیم. پس چرا باید حتماً بجنگیم؟ چرا باید با آمریکا مبارزه کنیم؟ اینکه نه خطری دارد و نه دردسری. اگر قرار است عبادت خدا و خدمت به خلق خدا باشد، چرا این عبادت را انجام ندهیم و بیاییم بجنگیم، مبارزه کنیم و کشته شویم؟»

به او گفتم: «برادر من، می‌دانی حرف تو چه معنایی دارد؟ معنایش این است که کسی یازده رکعت نافله نماز شب بخواند؛ اما دو رکعت نماز صبح را نخواند. یازده رکعت نماز شب مستحبی را می‌خواند؛ اما دو رکعت نماز واجب صبح را نمی‌خواند. در حالی که دشمن می‌خواهد ریشه دین را بکند و اسلام را براندازد، او به آن دشمن کاری ندارد و می‌گوید آزاد است هر کاری می‌خواهد بکند. از آن طرف می‌رود و شکم گرسنه را سیر می‌کند. این کار فایده‌ای ندارد و مانند همان یازده رکعت نماز شب است که خوانده‌ای، ولی دو رکعت نماز صبحت را نمی‌خوانی.»

عده‌ای این‌طور هستند. شما جزو کدام دسته هستید؟ ما جزو کدام گروه هستیم؟ بنده چه کاره‌ام؟ آیا جزو آن‌هایی هستیم که با کفر جهانی همراه امام حسین (علیه السلام) می‌جنگند، یا جزو آن‌هایی که دنبال عبادت بی‌دردسر و بی‌زحمت و بی‌خطرند؟ آیا از آن‌هایی هستیم که می‌گویند: «بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ»، هستی خود را پای امام

زمان ریخته‌اند و فدای آقا می‌کنند؟

تفسیر «كُلُّ أَرْضٍ كَرْبَلَاءُ وَ كُلُّ يَوْمٍ عَاشُورَاءُ» و «سَلِّمْ

کربلا پایان نیافته، لشکر امام حسین (علیه السلام) هم پایان نیافته و لشکر عمر سعد هم پایان نیافته است. الان هم کربلاست. هم لشکر اباعبدالله (علیه السلام) هست و همین الان نیز عناصری هستند عین عناصر روز عاشورا.



که با سیدالشهدا (علیه السلام) در لشکر عمر سعد جنگیدند، دسته دوم کسانی که در پای وجود مقدس حضرت جان دادند و در فداکاری و دفاع به شهادت رسیدند، و دسته سوم کسانی که به امام حسین (علیه السلام) علاقه داشتند اما امام را تنها گذاشتند و به‌خاطر زندگی، دنیا و گذران

عمر خود، از کربلا رفتند. اکنون نیز همان جریان روی کره زمین وجود دارد که با سیدالشهدا (علیه السلام) می‌جنگد. برادران و خواهران، جنگ با امام حسین (علیه السلام) امروز در پهنه کفر جهانی است. لشکر ۲۱۰ هزار نفری عمر سعد نیست؛ بلکه در پهنه کفر زمین، با امام حسین (علیه السلام) می‌جنگند. لشکر امام حسین (علیه السلام) نیز به همان اندازه توسعه یافته است. آن روز ۷۲ تا ۱۲۰ نفر بودند؛ اما امروز میلیون‌ها

انسان فریاد می‌زنند: «بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ! بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ!» امروز میلیون‌ها انسان این را بر زبان دارند و لشکر امام حسین (علیه السلام) هستند.

لِمَنْ سَأَلَكُمْمْ وَ حَزْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ» همین است. بنابراین باید توجه داشته باشیم که در چه موقعیتی قرار داریم.

امام رضا (علیه السلام) بنیان‌گذار عزاداری دهه اول محرم

برادران، این ماه محرم را امام هشتم (علیه السلام) راه اندازی کردند. دهه محرم به عنوان عزاداری اباعبدالله (علیه السلام) تأسیس امام رضا (علیه السلام) است. در زیارت ناحیه مقدسه حضرت می خوانید: «السَّلامُ عَلَى الْإِمَامِ الرَّؤُوفِ الَّذِي هَيَّجَ أَحْزَانَ يَوْمِ الطُّفُوفِ»^۳ (سلام بر امام مهربانی که غصه های کربلا را تهییج کرد).

در روز اول محرم، ریان بن شیبب که از شیعیان بود، خدمت امام هشتم (علیه السلام) رسید. دید که خانه را سیاه پوش کرده اند و حضرت لباس عزا پوشیده است. عرض کرد: «یا ابن رسول الله، خبر ناگواری از مدینه به شما رسیده که عزادار شده اید و خانه را سیاه پوش کرده اید؟!» حضرت فرمودند: «یا ابن شیبب، مگر نمی دانی امروز روز اول ماه محرم است؟» ریان بن شیبب از شیعه ها بود. معلوم می شود تا

آن روز، در میان شیعه رسم نبود که در دهه اول محرم عزاداری کنند. وقتی ریان وارد خانه امام رضا (علیه السلام) شد و سیاه پوشی را دید، تعجب کرد و گمان کرد حادثه ای برای حضرت پیش آمده است. او نمی دانست که سیاه پوشی برای کربلا و عزای عاشورا است. از اینجا بود که امام هشتم (علیه السلام)، دهه محرم را تأسیس کردند. دهه اول محرم به ابتکار ایشان، دهه سوگواری و عزاداری شد.

امام رضا (علیه السلام) به ریان بن شیبب دستور دادند و اولین روضه خوان دهه محرم، خود حضرت بودند که فرمودند: «يَا ابْنَ شَيْبَبٍ، إِنَّ كُنْتَ بَاكِيًا لِسَيِّءِ قَائِكَ لِجَدِّكَ الْحُسَيْنِ» (اگر بر هر چیزی می خواهی گریه کنی، برای جدم حسین گریه کن). «فَإِنَّهُ ذُبِحَ كَمَا يُذْبَحُ الْكَبْشُ»^۴ (او را ذبح کردند؛ همان گونه که قوچ ذبح می کنند).

برخی از عزیزان ما این روضه امام رضا (علیه السلام) را چنین ترجمه می کنند که حضرت می خواستند بگویند سر از بدن اباعبدالله (علیه السلام) جدا کردند؛ اما معنای فرمایش حضرت چیز دیگری است. اگر مقصود گوسفند بود،

حضرت تعبیر به «کَبْش» نمی کردند، می فرمودند «غَنَم»، مانند گوسفند؛ اما نفرمودند و فرمودند: «كَمَا يُذْبَحُ الْكَبْشُ» (آن طوری که قوچ ذبح می شود). در جاهلیت عرب، مرسوم بود که گروهی پولی جمع می کردند و قوچی می خریدند و آن را پروار می کردند تا حالت جنگی پیدا کند. وقتی قوچ کاملاً فربه می شد و حالت تهاجمی به خود می گرفت، در روز معینی، آنان لباس رزم پوشیده و اسلحه به دست می گرفتند، قوچ را به میدان می آوردند و حالت جنگی او را تحریک می کردند. هر طرف که حمله می کرد،

با نیزه و شمشیر به او می زدند تا اینکه او را تکه تکه می کردند و میان خود تقسیم می کردند. امام رضا (علیه السلام) فرمود: «كَمَا يُذْبَحُ الْكَبْشُ» جدم حسین (علیه السلام) را این گونه کشته شد.

امام هشتم (علیه السلام)، این تصویر را ترسیم کردند؛ اما منظره را عمه شان حضرت زینب (علیه السلام) بالای تل زینبیه مشاهده کرد. یک نگاه کرد: این نیزه دار با نیزه می زند، شمشیردار با شمشیر می زند و آن که هیچ حربه ای ندارد، دامن خود را پر از سنگ کرده و بر بدن اباعبدالله (علیه السلام) می زند. خواهر، دست ها را بر سر نهاد و فریاد زد: «أَمَا فَيْكُمْ مُسْلِمٌ؟!»^۵ (آیا یک مسلمان در میان شما نیست؟!)

خدایا، به مظلومیت اباعبدالله (علیه السلام)، نقطه حساس انتقام مظلومیت حسین، فرج مولایمان بقیه الله، را تعجیل بفرما.

ارواح مطهر شهدا، روح مطهر امام بزرگوار و روح مطهر امام شهید مظلوم ما، از این اشک و عشق ما بهره مند بگردان.

سایه پربرکت مقام معظم رهبری، همراه با قدرت و نصرت و عزت، بر سر ما مستدام بدار.

۱. ابراهیم، ۲۴ و ۲۵.

۲. راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص ۴۳۹.

۳. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۲، ص ۵۵.

۴. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۰۲.

۵. سید عبدالرزاق مقرّم، مقتل الحسین (علیه السلام)، ص ۲۸۴.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نماز جمعه مشهد مقدس

همه شما برادران و خودم را به تقوای الهی سفارش می‌کنم. قدرتی که توانست دنیا را مستأصل کند و آمریکا و رئیس‌جمهور آمریکا را به درجه استیصال برساند، مسئله گرفتن و بستن تنگه هرمز بود. ما تنگه هرمز را باز کنیم، آیا این‌ها در طول ۶۰ روز به وعده‌های خود وفا کنند یا خیر. معلوم است که این جریان، با آن بی‌وفایی و بی‌تعهدی و جانور صفتی که ما ۷۰ سال تجربه می‌کنیم، جور در نمی‌آید.

بدعهدی آشکار آمریکا در تفاهم‌نامه

ماده اول تفاهم، هنوز اجرا نشده، همین‌الان نقض می‌شود. در ماده اول تفاهم گفته شده که جنگ به وسیله آمریکا و متعهدین آمریکا متوقف بشود. متعهد درجه یک آمریکا، اسرائیل ناپاک است و اسرائیل ناپاک، جنگ را متوقف نکرده و دارد به جنوب لبنان حمله می‌کند، عزیزان ما را زیر بمباران گرفته و جنایت می‌کند. پس جنگ به وسیله متعهد درجه یک آمریکا متوقف نشد و این ماده اول تفاهم نقض شده است. تنگه هرمز را باز کردیم؛ اما این‌ها دارند شیعیان ما را به خاک و خون می‌کشند و جنگ را ادامه می‌دهند.

از طرف دیگر، هنوز حرکتی انجام نگرفته است، نخست‌وزیر اسرائیل می‌گوید آمریکا بعد از پایان انتخابات، تهاجم را علیه ایران شروع خواهد کرد. وقتی با خود رئیس‌جمهور آمریکا مصاحبه می‌کنند و می‌پرسند: «شما با ایران تفاهم در توقف جنگ دارید، اما اگر اسرائیل تنها بخواهد وارد میدان جنگ با ایران شود، شما چه خواهید کرد؟» می‌گوید: «ما از اسرائیل حمایت می‌کنیم.» پس توقف جنگ کجاست؟ اورسماً دارد اعتراف می‌کند.

از آن طرف، رئیس اندیشکده «بنیاد دفاع از دموکراسی»

همه شما برادران و خودم را به تقوای الهی سفارش می‌کنم.

بیانیه رهبری؛ تنها تحلیل ثابت و قطعی از تفاهم‌نامه

نهایتاً حوادث و جریانات جاری کشور، به آخرین نقطه، بیانیه بیدارساز و هوشیارآفرین مقام معظم رهبری، خاتمه پیدا کرد. آنچه هم برای مردم ما در عرصه انجام وظایف سیاسی و اجتماعی تکلیف مشخص کرد و هم مسیر حرکت را معین ساخت و واقعیت‌های انجام گرفته را برای مردم تبیین کرد، در یک عبارت بسیار کوتاه اما مفید و مؤثر خلاصه شد.

آنچه ما از فرمایش مقام معظم رهبری به عنوان قول فصل و آخرین سخن و تنها تحلیل جاری و ثابت استفاده می‌کنیم، این است که این تفاهم، اشکالاتی دارد و تفاهم‌نامه‌ای نامطلوب بوده است. دلیل

آن، سخن مقام معظم رهبری است که فرمودند: «علی‌الاصول من نظر دیگری داشتم.» معلوم می‌شود آنچه صورت گرفته است، منطبق با نظر ولایی ولی‌امر مسلمین و حجت امام زمان نیست.

عدم مطلوبیت این تفاهم که مقام معظم رهبری فرمودند، این است

که جریان و روش اجرایی تفاهم، تا اندازه‌ای با آن مبانی فکری و با آن پیش‌بینی‌ها و مبانی تجربی مردم به‌پاخاسته ما تطبیق نمی‌کند. به‌خاطر اینکه ما مردم، ۴۷ سال از انقلاب می‌گذرد، قریب به ۷۰ سال است که دست‌به‌گریبان با استکبار جهانی آمریکا هستیم. جنایت آمریکا، فسق آمریکا، نابکاری و بی‌وفایی و دشمنی و خصومت و خشونت آمریکا را ۷۰ سال است نسل ما دارد تجربه می‌کند، این‌ها را می‌بیند و حس می‌کند.

اینکه ما روز اول، تنگه هرمز را باز کنیم، تنها اهرم

این تفاهم اشکالاتی دارد و تفاهم‌نامه‌ای نامطلوب بوده است. دلیل آن، سخن مقام معظم رهبری است که فرمودند: «علی‌الاصول من نظر دیگری داشتم.»

علاوه بر این، مقام معظم رهبری فرمودند: «در مسیر رسیدن به این مرحله، مسئولین امر از سر دل‌سوزی و حسن نظر، تلاش‌های زیادی را به عمل آوردند.» فرمایش مقام معظم رهبری است و قبول کرده‌اند که مسئولان زحمت کشیده‌اند و حسن‌نیت هم داشته‌اند



و نظر خوبی هم داشته‌اند. مغرض نبوده‌اند. وقتی رهبر ما می‌فرمایند که این‌ها حسن‌نظر داشته‌اند و تلاش کرده‌اند، ما دیگر نباید توهین کنیم. بسیاری از حرکت‌های توهین‌آمیز و جسارت به مسئولین و وزرا، با مبانی ولایت‌مداری ما سازگار نیست.

بسیاری از تحصن‌ها و تظاهرات در مقابل مسئولین و رویارویی با جریان تفاهم، با مبانی ولایت‌مداری سازگار نیست. ما تابع ولایتیم؛ چون ولی امر حجت امام زمان علیه السلام است و امام زمان ما را به دست ولی فقیه سپرده است. هرچه او بگوید، همان است. فرموده‌اند: «الرَّأْيُ عَلَيْهِمْ كَالرَّأْيِ عَلَيْنَا.» هرکس این آقای ولی فقیه را رد کند،

که بزرگ‌ترین بنیاد اندیشه‌ساز سیاسی آمریکا و تنظیم‌کننده خط‌مشی‌ها و راهبردهای آمریکاست، ضمن اینکه تفاهم را تخطئه کرده، راهبرد نشان می‌دهد و می‌گوید: «شما با این تفاهم، بازارهای انرژی را دوباره آرام و ذخایر را پر کنید، به ارتش آمریکا استراحت بدهید و آن را دوباره مسلح کنید، طرحی برای حمایت از ایرانیان مخالف برای فلج کردن حکومت ایران تدوین کنید، تحریم‌ها را با فشار بی‌وقفه اجرا کنید، پای میز مذاکره بازی نخورید، اراده تهران را زود آزمایش کنید، امتیاز کم بدهید و نتیجه بخواهید، سریع از میز مذاکره کنار بروید، محکم‌تر ضربه بزنید و حمله کنید.» این دستور رئیس بنیاد دفاع از دموکراسی آمریکاست که راهبرد آمریکا را تعیین می‌کند. تفاهم چه شد؟ ما درباره چه توافق کردیم؟

لذا مقام معظم رهبری فرمودند: «علی‌الاصول نظر دیگری داشتم»؛ یعنی اگر بنا بوده تفاهم بشود، جور دیگری باید تفاهم می‌شد که این مشکلات پیش نیاید. این اصل تفاهم است. اما از طرف دیگر، ایشان در عین حال فرمودند: «از باب تعهدی که رئیس‌جمهور محترم به عنوان رئیس شورای عالی امنیت، از طرف خود و سایر اعضا، در پاسداشت حقوق ملت ایران و جبهه مقاومت به بنده دادند و تصریح به قبول مسئولیت آن نمودند.» آقای رئیس‌جمهور گفته که من مسئول اجرای همه این مواد و اجرای همه برنامه‌ها هستم. فرمودند: «اجازه آن را صادر نمودم.»

پس اگر آقای رئیس‌جمهور تفاهم را امضا کرده، با اجازه مقام معظم رهبری امضا کرده است. تصریح فرمودند: «من اجازه دادم تفاهم‌نامه را امضا کند، بر اثر قولی که ایشان داد.» بنابراین به دستور و با اجازه رهبری، تفاهم‌نامه اجرا شد. ما مسلمانیم، ما ولایت‌مداریم، ما پای ولایت ایستاده‌ایم. وقتی که تفاهم‌نامه را آقای رئیس‌جمهور به‌عنوان رئیس دولت و با اجازه رهبری امضا کرده است، ما حق مواجهه با رئیس‌جمهور و مواجهه با این تفاهم را نداریم. البته حق مردم، نقد کردن است، ما هم اینجا نقد کردیم؛ اما حق رویارویی و برخورد با دولت و وزرای دولت در این خصوص را نداریم. ایشان فرمودند: «با اجازه من، من اجازه صادر نمودم.» از طرفی، وزیر ما، وزیر این نظام است و برخورد با وزیر خارجه نظام برخورد کردن، برخورد با خود نظام است.



من امام را رد کرده است و «رَأَدُّ عَلَيْنَا كَالرَّادِّ عَلَى اللَّهِ» هرکس ما را رد کند، خدا را رد کرده است که در حد شرک به خداست.

برادران و خواهران، با همه احساساتی که دارید، با همه عواطف ارزشمندی که عزیزان دارید و با همه تلاش و مشاهده و مقاومتی که در این صد و چند روزه در حماسه‌آفرینی‌ها، تجمعات و میدان‌داری‌ها داشته‌اید، با همه این عظمت، باید مقلد و پیرو رهبری باشیم. هرچه ایشان گفتند، باید عمل کنیم و از فرمان رهبری نباید تخلف کنیم. این وظیفه ماست و راه را مشخص کردند و تکلیف را هم معین کردند.

حالا در اینجا یک سؤال باقی مانده است. شهادت آقا و انتقام خون آقا چه می‌شود؟ سرمایه کمی نبود که ما دادیم. بر فرض که بگویند: «غرامت می‌دهیم» که آن هم نخواهند داد. چه سرمایه‌ای بالاتر از امام عزیز شهید ما بود؟ آقا را از دست دادیم و آقا را کشتند، با عزیزانش کشتند. خون ایشان چه می‌شود؟ انتقام از این خون، چه می‌شود؟ انتقام و خون‌خواهی به جای خودش باقی است. جنگ تمام شد؛ اما مبارزه تمام نشد. ما مبارزه را ادامه می‌دهیم. در خط فوران خون امام شهید مظلوم ما تا آنجایی که خون فوران کند، ما با دشمن مقابله می‌کنیم، با آمریکا می‌جنگیم و مبارزه می‌کنیم. ما با هیچ مصلحت‌اندیشی و هیچ قیمتی، «مرگ بر آمریکا» را از زبانمان نخواهیم انداخت. این مبارزه ادامه دارد. طرف ما یک رئیس‌جمهور دولت آمریکا نیست؛ طرف ما نظام سلطه آمریکایی ۷۰ سال است مردم ما را در بند اسارت کشیده و انواع جنایت‌ها، خسارت‌ها، ظلم‌ها و کشتارهای بی‌رحمانه را بر ما ادامه می‌دهد. مگر ما دست برمی‌داریم؟ خون امام شهید ما فوران دارد و خون نمی‌خواهد که بگوییم انتقام تمام می‌شود.

خون‌خواهی امام شهید ما به این نیست که یک سگ ناپاک و نجس‌العین و جرثومه فسق و فساد و فجور که به انواع کثافت‌ها و خباثت‌های جنسی و شهوانی آلوده است، کشته شود. این واقعاً انتقام خون رهبر ما هست؟! صد تا، هزار تا از این سگ‌های آمریکایی را بکشند و تکه‌تکه کنند، قیمت یک موی رهبر عزیز ما نمی‌شود. منتها ما باید با همه قدرت بایستیم و مبارزه کنیم.

برادران و خواهران، ایستادن ما در این مبارزه با آمریکا، به دو عامل نیاز دارد: یک عامل، امکانات توسعه‌یافته

و پویای نظامی و جنگی ماست. نسل جوان نابغه، شرکت‌های دانش‌بنیان، جوانان خوش‌فکر، باسواد، درس‌خوانده و فناور، باید سعی کنند تجهیزاتی در عرصه‌های نظامی و جنگی بسازند که آمریکا در مقابلش مستأصل شود. اگر خواست حمله کند که حتماً حمله خواهد کرد، با یک حرکت فناورانه، آمریکا را نابود کنند. این‌ها باید در این جهت کار کنند و در جهت نظامی، رزمندگان ما باید فعال باشند. رئیس دفاع از دموکراسی آمریکا می‌گوید: «به لشکر آمریکا استراحت بدهید تا مجهز شوند.» ما هم باید مجهز شویم، جمعیتان را اضافه کنیم و بر رزمندگانمان بیفزاییم. جوانان ما که آماده هرگونه فداکاری و شهادت هستند، باید دقیقاً در خط رزمندگی نظامی با کمال قهرمانی، شجاعت و مردانگی قرار گیرند و فناور جنگی شوند. این مسئله اول است.

قراردادن امر به معروف در جریان توسعه فرهنگی

اما ابزار دوم مبارزه ما، مسئله توسعه فرهنگی است. فرهنگ شما برادران و خواهران که فرهنگ تقوا، فرهنگ عمل به احکام شریعت و فرهنگ فداکاری در راه خدا و در راه دین است، این فرهنگ باید توسعه پیدا کند و بر عدد شما افزوده شود. مثل خودتان را زیاد کنید. برادران و خواهران، حواستان جمع باشد. همان‌طور که در تجمعات شبانه، همسایه‌ها را با خودتان راه می‌انداختید

و به تجمع می‌آوردید، باید مثل خودتان را زیاد کنید، امثال شما در این فرهنگ تکثیر شوند و این فرهنگ توسعه پیدا کند.

این هفته، اول محرم، هفته‌ی امر به معروف و نهی از منکر است. نهی از منکر و امر به معروف ما، در این زمان، سیستم و روشش با گذشته فرق می‌کند. دیگر ما امر به معروف و نهی از منکر را در یک جریان مبارزاتی قرار نمی‌دهیم که با هر مرتکب منکری مبارزه کنیم و با هر تاریک‌اندیش و محرومی درگیر شویم. نه، راه بیفتیم و جذب کنیم. به بنده خبر دادند که شب‌های اول تجمعات، تعدادی از خواهران بی‌حجاب یا بدحجاب، پرچم به دست گرفته‌اند و آمده‌اند. گفتند

در این شب‌ها تعداد آن‌ها کم شده است. وقتی بررسی کردند، دیدند که آن‌ها نرفته‌اند؛ بلکه همه با حجاب شده‌اند و حجاب را آموخته‌اند و به فرهنگ گرایش پیدا کرده‌اند.

برادران، مسئله حجاب، مسئله اصلی دین ماست؛ یعنی آن چیزی که هویت اجتماعی دینی ماست. اگر جریان حجاب توسعه پیدا کرد و در نسل خواهر ما حجاب گسترش یابد، به همان میزان، قدرت اسلام توسعه پیدا کرده است. چرا در فرانسه جلوی حجاب را می‌گیرند؟ چرا در کشورهای غربی نمی‌گذارند دخترهای باحجاب به دانشگاه بروند؟ به‌خاطر اینکه حجاب، تابلو و نشانه‌ی

اسلام و پیغمبر ﷺ است. این تابلو را می‌خواهند پایین بکشند. شما سعی کنید این تابلو را بالا ببرید و افراد را جذب کنید. این‌ها یک احساس نسبت به اهل بیت پیغمبر ﷺ دارند: بچه‌های پیغمبر ﷺ را دوست دارند، امام حسین (علیه السلام) را دوست دارند، حضرت زینب (علیها السلام) را دوست دارند، حضرت رقیه (علیها السلام) را دوست دارند. از این موقعیت که این‌ها عشق به اهل بیت (علیهم السلام) دارند، با یک بیان خاص سازنده، آن‌ها را جذب کنید. این‌ها را به‌طرف تابلوی عزیز اسلام و تابلوی پیغمبر ﷺ بیاورید. چه مانعی دارد که به این خانم بی‌حجاب یا بدحجاب بگویید: «خواهر من، عاشورای امام حسین (علیه السلام) است، دلت نمی‌خواهد لباس حضرت زینب (علیها السلام) را بپوشی؟»

بیا به لباس حضرت زینب (علیها السلام) ملبس بشو.» یک دست لباس یا چادر یا روسری به او هدیه بدهید و بگویید شب عاشورای امام حسین (علیه السلام) است، این لباس حضرت زینب (علیها السلام) مال توست و تو هم به شکل خواهر امام حسین (علیه السلام) دریا. تو هم به شکل دختر امام حسین (علیه السلام) در بیا.

مسئله حجاب آن قدر مهم است: بچه را کتک زدند و گوشواره را با زور کشیدند، گوش نازدانه‌اش پاره شد و غش کرد و روی زمین افتاد. حضرت زینب (علیها السلام) این نازدانه را بلند کرد و به هوش آورد. وقتی چشم باز کرد، نگفت: «عمه، گوشواره‌ام را بردند و گوشم را پاره کردند!» اول گفت: «عمه، معجز بیاور تا خود را

از این نامحرم حفظ کنم.» این‌ها را بگویید و یاد بدهید و دل‌داده‌های اهل بیت پیغمبر ﷺ را جذب کنید. این نهی از منکری است که باید سیستم نهی از منکر را عوض کنیم. دیگر در جبهه مبارزاتی، نهی از منکر نکنیم؛ بلکه در جبهه جذب و به دست گرفتن افراد و فرهنگ‌سازی نهی از منکر انجام دهیم.

ان شاء الله با همت شما برادران و خواهران مجاهد و فداکار در راه دین، همه این مقاصد شدنی است. جبهه عظیم مبارزه با استکبار جهانی، آن‌چنان تشکیل می‌شود که اگر دوباره آمریکا به قصد ما تهاجم کند، این دفعه، نقشه مرگ و فنا و نابودی خودش را ریخته است.

خدایا، ما در ماه محرمیم، در دهه عاشورای امام حسینیم. پروردگارا، با رنگ حسینی و خلق حسینی، آن‌چنان به ما عنایت کن که مورد پسند آقامان سیدالشهدا (علیه السلام) قرار بگیریم.

خدایا، ما را به رنگ لشکر اباعبدالله (علیه السلام) در صحرای کربلا درآور.

خدایا، همان حسی که حبیب و ظهیر و بریر راجع به آقایان سیدالشهدا (علیهم السلام) داشتند، آن حس را در ما راجع به آقایان امام زمان (علیهم السلام) احیا بفرما.

خدایا، نقطه محوری انتقام از مظلومیت سیدالشهدا (علیه السلام)، فرج مولا یمان، بقیه الله، تعجیل بفرما.

رئیس اندیشکده «بنیاد دفاع از دموکراسی» آمریکا می‌گوید: «شما با این تفاهم، بازارهای انرژی را دوباره آرام و ذخایر را پر کنید، به ارتش آمریکا استراحت بدهید و آن را دوباره مسلح کنید، طرحی برای حمایت از ایرانیان مخالف برای فلج کردن حکومت ایران تدوین کنید، تحریم‌ها را با فشار بی‌وقفه اجرا کنید، پای میز مذاکره بازی نخورید، اراده تهران را زود آزمایش کنید، امتیاز کم بدهید و نتیجه بخواهید، سریع از میز مذاکره کنار بروید، محکم‌تر ضربه بزنید و حمله کنید.»